



The Marv Dasht silver vessel and its meaning

François Desset with the collaboration of Kambiz Tabibzadeh, Matthieu Kervran,
Gian Pietro Basello and Gianni Marchesi

Abstract

Discovered during an irregular excavation in 1966 and published by W. Hinz in 1969, the so-called Silver Vessel of Marv Dasht, with its late Proto-Iranian/Linear Elamite inscription (Linear Elamite Inscription no. 17/Q), remained undeciphered until recently. While the vessel was likely produced in Central Asia in the late 3rd millennium BCE, its inscription can be attributed to 21st century BCE southwestern Iran. Thanks to the recent decipherment of the late Proto-Iranian/Linear Elamite script, this 4,000-year-old Hatamtite/Elamite text, among others, can now be read. A preliminary translation is provided here. The text involves two previously unknown characters and was commissioned by Šūwar-Asu (Šowar-Asu or Šuwar-Asu), who gifted this vessel to Hūmšat (Homšat or Humšat), the Lady of Marapša(y)i (maybe a goddess), and placed it in the temple of Hiš(-)mani-r, possibly near Anzan.

Keywords: Late Proto-Iranian / Linear Elamite writing system; Hatamtite / Elamite language; Tal-e Malyan; Anzan; Bronze Age.

<https://doi.org/10.22034/JINM.2024.2043337.1093>

© 2025 Iran National Museum. All rights reserved

جام سیمین مروودشت و مفهوم آن

فرانسوا دوسه* با همکاری کامبیز طبیب زاده، متیو کرووران، گیان پیترو باسلو و گیانی مارکزی

چکیده

جام سیمین مروودشت در جریان یک حفاری غیر مجاز در سال ۱۳۴۵ خورشیدی کشف و جزئیات آن توسط والتر هینتس (W. Hinz) در سال ۱۳۴۸ خورشیدی منتشر شد. جام سیمین مروودشت و کتیبه آغاز-ایرانی جدید / عیلامی خطی (Linear Elamite Inscription no. 17/Q) حک شده بر روی آن تا چندی پیش رمزگشایی نشده بود. در حالی که این ظرف احتمالاً در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد در آسیای مرکزی ساخته شده، کتیبه آن را می‌توان به جنوب غربی ایران در سده ۲۱ پیش از میلاد نسبت داد. به لطف رمزگشایی اخیر خط آغاز-ایرانی جدید / عیلامی خطی، اکنون می‌توان این کتیبه ۴۰۰۰ ساله هَمَتیایی / عیلامی زبان را، در کنار دیگر کتیبه‌های نگاشته شده به این خط، خواند. خوانش اولیه آن در این جا ارائه شده است. این متن به دو شخصیت اشاره دارد که تاکنون ناشناخته بودند. این کتیبه توسط شوور-اسو (شور-اسو یا شوور-اسو) سفارش داده شده است. او این ظرف را به هومشَت (هومشَت یا همشَت؛ شاید یک الهه)، بانوی مَرپِشی، هدیه داده و آن را در معبد هیش(-)مَنی-ر، احتمالاً نزدیک به آنزن، نهاده است.

واژگان کلیدی: سیستم نگارش آغاز-ایرانی جدید / عیلامی خطی؛ زبان هَمَتیایی / عیلامی؛ تل ملیان / آنزن؛ دوره مفرغ.



شکل ۱. جزئیات جام مرودشت؛ متن آغاز-ایرانی جدید EI17/Q؛ سده ۲۱ پیش‌ازمیلاد؛ (با مجوز موزه ملی ایران. فرانسوا دوسه)

سیستم نگارش مطابق با یک شبکه آوایی عمل می‌کند که پیرامون ۵ واکه (ا، ا، او، ای) و ۱۲ همخوان (با صامت) (پ، ت، ر، ز، س، ش، ک، ل، م، ن، و، ه) می‌چرخد که در نتیجه ۶۰ (۱۲×۵) ارزش هجایی به‌وجود می‌آورد (پ، پ، پ، پ، پی، ت، ت، ت، تو، تی ...). (بنگرید به دوسه ۱۴۰۱). این سیستم نگارش از نظر تئوری می‌بایست شامل ۷۷ ارزش آوایی باشد (۵+۱۲+۶۰) (به شکل ۳ نگاه کنید).

رمزگشایی خط آغاز-ایرانی جدید ثابت کرد که این خط برای ثبت زبان هتمتییایی (با زبان عیلامی) استفاده می‌شده است. زبان هتمتییایی احتمالاً از بقایای یک گروه زبانی بزرگ‌تر در هزاره سوم پیش از میلاد بوده و نیز این زبان نشان دهنده تفاوت‌های گویشی / لهجه‌ای بین منطقه‌ای طی سده‌ها است. بر مبنای مستندات موجود از این زبان، زبان هتمتییایی در حال حاضر ظاهراً در دسته زبان‌های منفرد قرار دارد؛ هرچند فرضیه‌هایی وجود دارد که می‌کشند زبان هتمتییایی را به «زبان‌های دراویدی هند-پاکستان»، «گروه زبانی آفریقایی-آسیایی» یا «زبان‌های قفقازی» متصل کنند. اگرچه تاکنون زبان هتمتییایی تنها از طریق شمار محدودی کتیبه‌های میخی سده بیست و سوم تا سده چهارم پیش‌ازمیلاد مستند شده، با این وجود برخی بر این باور هستند که این زبان سرانجام در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی و در جنوب غربی ایران ناپدید شده است. توضیح این‌که در آثار جغرافی‌دانان ایرانی که به زبان عربی نوشته شده، احتمالاً به نوع تحول‌یافته زبان هتمتییایی به نام «خوزی» اشاره شده است؛ زبانی که به گفته آن‌ها یادگیری آن بسیار دشوار بود، نه عربی، نه فارسی، نه سریانی و نه عبری بود (بنگرید به Van Bladel 2021). با این اوصاف، آگاهی ما از واژگان و دستورزبان این زبان مرده و ظاهراً منفرد، بسیار محدود است. ما هم اکنون قادر به خواندن متن‌های این زبان (به هر دو خط میخی و خط آغاز-ایرانی جدید) هستیم، اما هنوز با مشکلاتی نظیر مشکلات زبان ایتروسکی (در ایتالیا)

خط آغاز-ایرانی جدید و زبان هتمتییایی

سیستم نگارش آغاز-ایرانی جدید (یا عیلامی خطی) نسخه جدیدتری از سیستم نگارش آغاز-ایرانی قدیم (یا آغاز عیلامی) است (Desset 2022) که طبق دانش کنونی ما، در جنوب ایران بین سال‌های ۲۳۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش‌ازمیلاد مورد استفاده قرار می‌گرفته است (شکل ۲).

اگرچه این سیستم نگارش نخستین بار پیش از سال ۱۹۰۳ میلادی در شوش کشف شده، اما تا چندی پیش رمزگشایی نشده باقی مانده بود. نویسنده با همکاری کامبیز طبیب‌زاده، متیو کروان، ژان پیترو باسلو و جیانی مارکزی، طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ میلادی موفق به رمزگشایی آن شد (Desset et al. 2025 و Desset 2018، Desset et al. 2022). از ۱۸۶۳ نشانه حک شده بر روی ۴۳ کتیبه‌ای که در حال حاضر به آن‌ها دسترسی داریم، ۱۸۱۰ نشانه (بیش از ۸۷.۱۵ درصد) قابل خواندن هستند (۵ نشانه نادر و ۲۰ نشانه که هرکدام تنها یک بار در متن‌های موجود آمده‌اند، «یکبارینه»، رمزگشایی نشده باقی مانده است). در نتیجه می‌توان گفت که دانش ما از این سیستم نگارش نسبتاً دقیق و کامل است.

هم‌اکنون ۷۲ نشانه خط آغاز-ایرانی جدید مربوط به ۶۷ ارزش آوایی رمزگشایی شده‌اند (به دلیل دوگانه بودن ارزش آوایی نشانه /u/ و /w/، و به علت این‌که برای هر یک از ارزش‌های آوایی ک، ه، لی و پی دو نشانه متفاوت وجود دارد). با توجه به دیرینگی و هم‌زمانی این سیستم نگارش با نگارش هیروگلیف در مصر و خط میخی در میان‌رودان، نویسنده تا سال ۲۰۱۸ میلادی معتقد بود که خط آغاز-ایرانی جدید تنها می‌تواند یک سیستم نگارشی ترکیبی (با نشانه‌های واژه‌نگار و آوانگار) باشد، اما پس از رمزگشایی دیدگاه او تغییر کرد و به این نتیجه رسید که در واقع ۷۲ نشانه رمزگشایی شده همه آوانگار هستند! تا جایی که مشخص شده، نگارش آغاز-ایرانی جدید، یک سیستم الفبایی / هجایی (الفاسیلابری) است. این



شکل ۲. نقشه کلی محوطه‌های باستانی اشاره شده در متن. مکان‌هایی که کتیبه‌های آغاز-ایرانی جدید در آن‌ها یافت شده با ستاره سیاه نمایش داده شده‌اند (فرانسوا دوسه).

ای	او	!	ا	ا	ا	ا	
پی	پو	پ	پ	پ	پ	پ	پ
تی	تو	ت	ت	ت	ت	ت	ت
ری	رو	ر	ر	ر	ر	ر	ر
زی	زو	ز	ز	ز	ز	ز	ز
سی	سو	س	س	س	س	س	س
شی	شو	ش	ش	ش	ش	ش	ش
کی	کو	ک	ک	ک	ک	ک	ک
لی	لو	ل	ل	ل	ل	ل	ل
می	مو	م	م	م	م	م	م
نی	نو	ن	ن	ن	ن	ن	ن
وی	وو	و	و	و	و	و	و
هی	هو	ه	ه	ه	ه	ه	ه

شکل ۳. شبکه آوایی نظام نگارشی الفبایی / هجایی (آلفاسیلابری) آغاز-ایرانی جدید بر اساس الفبای عربی-فارسی امروزی (فرانسوا دوسه)

جام سیمین مرودشت

از میان ۴۳ کتیبه آغاز-ایرانی جدید که تاکنون شناسایی شده‌اند، تنها دو کتیبه در ایران نگهداری می‌شوند. یکی از این کتیبه‌ها بر لبه یک ظرف سفالی (متن آغاز-ایرانی جدید LEI19/S) قرار دارد که از گورستان شهداد کشف شده است. اما زیباترین کتیبه‌ای که تاکنون یافت شده بر روی یک جام سیمین به دست آمده از مرودشت، نقش بسته است (متن آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q؛ به تصاویر ۴ و ۵ نگاه کنید).

در زمینه ترجمه و فهم متن‌ها روبرو هستیم؛ یک بازبازی زبانی واقعی تنها از طریق دستیابی به متن‌های چند زبانه ممکن خواهد بود (متنی به زبان هَتمتییایی که به چند زبان شناخته شده دیگر نیز ترجمه شده باشد). در این راستا، کتیبه‌های شاهی سه زبانه هخامنشی از سده ششم تا چهارم پیش از میلاد (به زبان‌های پارسی باستان، هَتمتییایی و آکدی) همچنان سنگ بنای اصلی ما در فهم زبان هَتمتییایی از طریق سنجش آن با زبان‌های شناخته شده‌تری همچون پارسی باستان (از خانواده هند و اروپایی) و آکدی (از خانواده سامی) است.



شکل ۴. جام سیمین مرودشت؛ (با مجوز موزه ملی ایران، فرانسوا دوسه).



شکل ۵. جام سیمین مرودشت؛ (با مجوز موزه ملی ایران، فرانسوا دوسه).

که در آن بقایای یک کوزه سفالی را پیدا کرد و احتمالاً جام سیمین در آن قرار داشته است. همچنین یک پلاک مسی تزئین شده و چندین مهره نیز در محل کشف ظرف سیمین پیدا شدند (سرفراز ۱۳۹۶، قابل مقایسه با Hinz 1969: 11 که به سه سنجاق مفرغی، یک سگک کمر بند مفرغی با نقش نخل، و تعداد زیادی مهره سنگ‌های نیمه‌قیمتی اشاره دارد). در مجموعه متن‌های آغاز-ایرانی جدید، سه گروه از کتیبه‌ها بر روی ظرف‌های فلزی (سیمین) ثبت شده‌اند (گروه ۳

این کتیبه بر روی یک ظرف استوانه‌ای شکل به ارتفاع ۱۹ سانتی‌متر نقش بسته است (قطر لبه: ۹ سانتی‌متر؛ قطر پایه: ۱۱ سانتی‌متر) که در سال ۱۳۴۵ خورشیدی در ۱.۵ کیلومتری شمال غرب تخت‌جمشید، میان سکوی هخامنشی و روستای جلیل‌آباد، در باغ آقای سالارخان کاووسی در موقعیت تقریبی $29^{\circ}56'39.01''N/52^{\circ}52'30.75''E$ کشف شد. آقای علی‌اکبر سرفراز، باستان‌شناسی بود که از طرف موزه ملی ایران برای انجام کاوش به این منطقه اعزام شد. او یک ترانسه باز کرد

با توجه به نوع و شمایل‌نگاری این جام سیمین (Potts 2008 و Calmeyer 1989: 80)^۵، احتمالاً این شی در گستره تمدن خراسان بزرگ/آکسوس در اواخر هزاره سوم پیش‌ازمیلاد^۶ تولید شده (به شکل ۲ نگاه کنید) و نوشته‌ها بعداً پس از رسیدن به فارس از طریق تجارت یا به عنوان غنیمت یا هدیه، به آن افزوده شده است. این کتیبه به دقت درست زیر لبه جام با علامت‌هایی ظریف بین دو خط موازی، با فاصله ۱۳ میلی‌متر از یکدیگر حکاکی شده است (همچنین نقطه‌ها با استفاده از یک پانچ به قطر ۱ میلی‌متر ایجاد شده‌اند). این ارتفاع هم‌تراز با صورت زن ایستاده است که به نظر می‌رسد با نگاه به ابتدای کتیبه، آغاز متن را اعلام می‌کند، در حالی که پایان نوشته درست پشت سر او قرار دارد (به شکل ۶ نگاه کنید). احتمالاً تصادفی نیست که این کتیبه ۴۴ نشانه‌ای به دو «جمله» تقسیم شده است، که هر کدام شامل ۲۲ نشانه است. به‌رغم برنامه‌ریزی دقیق برای نوشتن کل کتیبه بر لبه ظرف، آخرین نشانه کتیبه، یعنی 𐎧𐎡𐎴 به دلیل کمبود فضا تقریباً به سر زن ایستاده چسبیده است (در مقابل، نخستین نشانه متن، یعنی 𐎧𐎡𐎴 با فاصله از بینی زن ایستاده حک شده است با توجه به این‌که دو زن بر روی ظرف به روش برجسته‌کاری و حکاکی نمایش داده شده‌اند (به شکل ۷ نگاه کنید) و نام دو نفر نیز در متن ذکر شده است (شَووور-آسو و هومومت، که حداقل یکی از آن‌ها شخصیتی زنانه است) می‌توان این کتیبه را به عنوان یک استفاده هوشمندانه از یک شیء از پیش ساخته شده برای هدفی دیگر در نظر گرفت، به خصوص اگر این ظرف واقعاً از آسیای مرکزی آمده باشد.

منشأ دقیق این ظرف سیمین نامشخص است و محل کشف آن ممکن است تنها یک مکان ثانویه باشد. با این حال، نشانه‌های موجود بر روی این ظرف با کتیبه‌های شوشی پوزور-سوشینک (۲۱۵۰ تا ۲۱۰۰ پیش‌ازمیلاد) و جام‌های سیمین یافت‌شده در منطقه کام‌فیروز (۲۰۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش‌ازمیلاد)، حدود ۷۵ کیلومتری شمال غرب تخت‌جمشید، مرتبط هستند (به شکل ۲ نگاه کنید). تمام این شواهد اعتبار دشت مرودشت / آنزن را به عنوان مکان حکاکی این نشانه‌ها تأیید می‌کند. نشانه‌های آغاز-ایرانی جدید استفاده شده در متن

۵. این ظرف بسیار شبیه به یک جام سیمین بزرگ‌تر است که در قبر شماره ۳۲۲۰ در قبرستان گونور دپه یافت شده است (Sarianidi 2005: 250-252, figs. 95-97).

۶. اما به سبک گل مهر به اصطلاح «نشانی | *série populaire*» در اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم پیش‌ازمیلاد در جنوب غربی ایران (شوش و فارس/تل ملیان) توجه کنید، جایی که زنان به‌طور مشابه به تصویر کشیده شده‌اند، شاید اشاره‌ای به تولید محلی برای جام مرودشت باشد.

Lambert 1979, pl. 5, fig. 42e, Amiet 1986, fig. 113.5 and 114.1-6, Amiet 2007, fig. 3, Porada 1990, pl. 2, no. 1b, 2b, 3b, 4b, and pl. 3 no. 2, Steve 1989.

برای تل ملیان، به 12, fig. 12, Sumner 1974, و مصاحبه شفاهی با J. Alden مراجعه کنید.

LEI17/Q؛ گروه ۱۴؛ گروه ۲۶) که به نظر می‌رسد آن‌ها به‌عنوان بستری ویژه برای کتیبه‌نگاری مورد استفاده بوده‌اند (۱۷ مورد از ۴۳ کتیبه، معادل ۵.۳۹ درصد از متن‌های آغاز-ایرانی جدید) (Desset et al. 2024). هیچ‌یک از این اشیاء از کاوش‌های علمی باستان‌شناسی به دست نیامده‌اند و می‌توان فرض کرد که بیشتر آن‌ها از گورها یا گنجینه‌ها به دست آمده باشند، زیرا این تنها توضیحی است که برای حفظ این اشیای ارزشمند در طول زمان وجود دارد.

با این حال، کارکرد تدفینی برای این ظروف جنبه ثانویه دارد؛ احتمالاً آن‌ها پیش از قرار گرفتن در گورها، کاربرد دیگری داشته‌اند. احتمال می‌رود که این ظرف‌ها به معابد اهدا شده و در آن‌جا همچون گنجینه‌های ارزشمند در کمدهای چوبی، نگهداری می‌شده‌اند.^۳ متن‌های روی آن‌ها می‌توانند دریچه‌ای به ادبیات مذهبی و دعا‌های آن زمان باشند که در قالب معادله‌های استاندارد برای دعا گفتن و یا نفرین کردن دشمن استفاده می‌شده‌اند. ممکن است این ظروف در مراسمی همراه با غذا و نوشیدنی به عنوان اجناس گرانبه‌های وقفی، دربردارنده متونی حاوی دعا‌های حاکمان به خداوند برای محافظت و برکت، به نمایش عمومی درمی‌آمده‌اند. در راستای همین فرضیه، کتیبه‌های (LEI17/Q) که بر لبه جام مرودشت حک شده، نشان می‌دهد که این جام نیز به معبد (سین) اهدا شده است. از میان تمامی اشیای وقفی داخل معبد، تقریباً تمام آن‌ها نابود شده‌اند و تنها تعداد اندکی، از جمله این ظرف‌های سیمین، به گورها منتقل شده و از اقبال ما بوده که تا این زمان حفظ شده‌اند.

جام سیمین مرودشت، که هم‌اکنون در موزه ملی ایران در تهران نگهداری می‌شود، سالم است^۴، به جز نشانه 𐎧𐎡𐎴 در واژه ش-ر-ه که گویا به تازگی خراشیده شده است (در عکس منتشر شده توسط هیئتس در سال ۱۹۶۹ میلادی نیز این خراشیدگی دیده می‌شود؛ به شکل ۶ نگاه کنید). همچنین ته جام نیز احتمالاً در هنگام کاوش آسیب دیده است. لازم به ذکر است که لایه فلزی ته ظرف دو بار به سمت بالا و پایین تا شده (به شکل ۵ نگاه کنید)، که شاید این فن برای متصل کردن بدنه شبه استوانه‌ای ظرف به ته ظرف استفاده شده است (Calmeyer 1989: 81-82). در نهایت، ورق فلزی در قسمت زیر چانه زن نشسته دارای دو سوراخ است (به شکل ۷ نگاه کنید) که احتمالاً به دلیل کشش بیش از حد ورق نقره‌ای در هنگام تزئین رخ داده است.

1. LEI37/K', LEI35/I', LEI32/F', LEI34/H', LEI36/J', LEI41/P', LEI24/X, LEI42/Q', LEI43/R', LEI26/Z, LEI25/Y
2. LEI23/W, LEI39/N', LEI40/O', LEI27/A', LEI38/M'

۳. این کمد چوبی در زبان سومری gu2-ne-saĝ-ĝa2 نامیده می‌شود. برای مطالعه بیشتر در مورد این اصطلاح، نگاه کنید به Owen 2013, 30-31.

۴. در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۷، به لطف همکاری صمیمانه دکتر جبرئیل نوکنده، آقای دکتر یوسف حسن‌زاده، و دکتر محمدحسین عزیزی خرائقی از نزدیک موفق به بررسی جام سیمین مرودشت در موزه ملی ایران شدم.



شکل ۶. کتیبه آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q بر روی جام سیمین مرودشت (با مجوز موزه ملی ایران، فرانسوا دوسه).



شکل ۷. جزئیات دو شخصیت زن به شکل کشیده شده بر روی جام سیمین مرودشت (با مجوز موزه ملی ایران، فرانسوا دوسه).

۲) سپس این جام به جنوب غربی ایران (احتمالاً فارس) آورده شده است، جایی که در سده ۲۱ پیش از میلاد کتیبه LEI17/Q به خط آغاز-ایرانی جدید بر روی آن حکاکی شده است؛
 ۳) پس از آن، این جام احتمالاً بلافاصله در معبد هیش(-)منی-، که شاید در نزدیکی شهر آنزن قرار داشته، نهاده شده است؛
 ۴) پس از مدتی، این جام از معبد خارج و در یک گور (یا گنجینه) نزدیک تخت جمشید دفن شده است؛
 ۵) این گور (یا گنجینه) در سال ۱۹۶۶ میلادی کشف شد. اکنون، جام سیمین مرودشت در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

LEI17/Q، برخی ویژگی‌های مشترک با کتیبه‌های پوزور-سوشینک و گروه جام‌های سیمین کام‌فیروز دارند. نشانه‌های ن و و، و مشابه کتیبه‌های پوزور-سوشینک هستند، در حالی که نشانه‌های م و ت به جام‌های کام‌فیروز مرتبطند. به همین دلیل، احتمالاً می‌توان کتیبه LEI17/Q را به دوره‌ای میان حکومت‌های پوزور-سوشینک و ایتاتو یکم، بین سال‌ها ۲۱۰۰ و ۲۰۰۰ پیش از میلاد، نسبت داد.
 به طور کلی، می‌توان تاریخچه جام سیمین مرودشت را در پنج مرحله بازسازی کرد:
 ۱) این جام احتمالاً در آسیای مرکزی (تمدن خراسان بزرگ / آکسوس) در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد تولید شده است؛

کتیبه آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q بر روی جام سیمین مرودشت

نویسه‌گردانی


 zana ma-ra-p₂-š-ša-i-r šu-wa-r-a-su

 lani-ina u ša-ri-h si-a-n hi₂-š(-)ma-ni-ri₂-na

 hu₂-m-š-ša-t ki₂-ri nu te-na ti-a-h

شکل ۸. رونوشت کتیبه آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q (از چپ به راست) و نویسه‌گردانی بر اساس سیستم منتشرشده در Dasset et al. 2022 (فرانسوا دوسه).

za-na | ma-ra-p₂-š-ša-i-r | šu-wa-r-a-su | la-ni-i-na | u ša-ri-h | si-a-n | hi₂-š(-)ma-ni-ri₂-na |
 hu₂-m-š-ša-t | ki₂-ri nu te-na ti-a-h


 زَنَ مَ رَ پَ شَ شَ اَی رَ شُ وَ وَ رَ اَ سُو لَ نَی اَی نَ اُ شَ رَ ه

 سَی اَ ن هَی شَ مَ نَی رَی نَ هُ وَ مَ شَ شَ ت کَ رَ نُ وَ تَ نَ تَی اَ ه

شکل ۹. رونوشت کتیبه آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q (از راست به چپ) و نویسه‌گردانی بر اساس الفبای عربی-فارسی امروزی (فرانسوا دوسه).

زَنَ | مَ رَ پَ شَ شَ اَی رَ | شُ وَ وَ رَ اَ سُو | لَ نَی اَی نَ | اُ شَ رَ ه
 سَی اَ ن | هَی شَ مَ نَی رَی نَ | هُ وَ مَ شَ شَ ت | کَ رَ نُ وَ تَ نَ تَی اَ ه

آوانویسی

زَنَ مَرِپَشَش_ای ر شُووَر_اَسُو لَنی_ای ن ا شَر_ه
 سین هیش(-)مَنی_ری) ن هومشت کِر نُ و ت ن تی_ه.

(برای ؟) بانوی مَرِپَشَشِی، (من ؟) شُووَر_اَسُو، (این جام) سیمین را من ساخته‌ام.

(در) معبد هیش(-)مَنی_ری، (برای خدا / الهه ؟) هُومَشَت، (از روی ؟) تقدس / پرستش (را ؟)، (برای) تو، به مهربانی، قرار دادم / پیشکش کردم.

برگردان

و در نتیجه وقف‌شونده (نقش حالت برایی) اشاره شده است، که ممکن است هُومَشَت، بانوی مَرِپَشَشِی، باشد.

به دلیل ابهام در جمله‌شناسی زبان هَتمتِیایی و فقدان علامتی برای تمایز میان فاعل و حالت برایی، دو شخصی که در متن ذکر شده‌اند، "من (اُ، فاعل افعال شَر_ه و تَی_ه است)" و "به تو (حالت برایی نو)" را نمی‌توان به طور قطع به شُووَر_اَسُو و هُومَشَت نسبت داد. از آن‌جایی که در جمله خست تنها به ساخت/سفرارش (شَر_ه) ظرف اشاره شده است، احتمالاً شُووَر_اَسُو نقش فاعلی دارد. در حالی که در جمله دوم به وقف (تَی_ه)

واژگان اساسی:

زَنَ: بانو
 لَنی_ای ن: از نقره، سیمین
 اُ: من
 شَر_ه: ساختن/ایجاد کردن (یک شیء فلزی)؛ شَر_ه ساخته‌ام
 سین: معبد

کر: تقدس، پرستش
تو: تو

تی: قرار دادن، جای دادن، وقف کردن، کمک کردن؛ تی-ه:
قرار دادم

واژگان خاص: مَریشی

این واژه ممکن است به نام جغرافیایی معروف مَرهشی (به زبان سومری) یا پَرهه سوم (به زبان اکدی) اشاره داشته باشد. این مکان احتمالاً در بخش جنوبی فلات ایران قرار داشته است (از شرق فارس تا بلوچستان، شامل استان کرمان؛ به شکل ۲ نگاه کنید) و در متن‌های میان‌رودان از زمان سارگن اکدی تا زمان حمورابی پادشاه بابل، میان سال‌های ۲۳۰۰ تا ۱۷۵۰ پیش‌ازمیلاد، ثبت شده است.

در این جا نحوه نوشتن و تلفظ نام مَریشی در زبان‌های مختلف آورده شده است:

هَتَمْتیایی /mar a p š a(y)i/

که به صورت *ma-ra-p₂-š-ša-i* به خط آغاز-ایرانی جدید نوشته می‌شود.

سومری /mar ḥ a š i/

که به صورت *mar-ḥa-ši* به خط میخی نوشته می‌شود.

اکدی /para ḥ š um/

که به صورت *pa₂-ra-ah-šum* به خط میخی نوشته می‌شود. با این حال، علت وجود حرف صامت /p/ در ریشه هَتَمْتیایی این واژه و عدم حضور آن در منابع میان‌رودان، جایی که به جای آن حرف صامت /ḥ/ وجود دارد، همچنان نامعلوم است. اگر این فرضیه درست باشد، ممکن است در این جا با نام بومی (خود نام یا autotoponym) این دولت مهم مواجه باشیم. شایان ذکر است که تشابه چشمگیری میان نام احتمالی مَریشی و نام‌های ثبت‌شده بسیار متأخرتر Marap(p)iya(š) و Vallat (Marabba(š) (170: 1993) وجود دارد که در چندین گل‌نوشته از بایگانی خزانه‌ی تخت‌جمشید دیده می‌شوند (Hallock 1969). Benveniste (1958: 56-57) Marap(p)iya(š) را با Maraphi(o) i در متن هرودوت (Herodotus I, 125) یکی دانسته است، که سپس Hallock (1969: 725) آن‌ها را به‌عنوان «یکی از سه قبیله اصلی پارسی» معرفی کرده است.

=شَوور-آسو

نام شَوور-آسو (شَوور-آسو یا شَوور-آسو) ممکن است با شَوور، که شاید به معنای «پیروزی، غلبه» باشد، تفسیر شود^۷ و احتمالاً شامل نام ایزد آسو (مقایسه کنید با نَپیر - آسو، همسر اَنتَش - نَپیرش) (بنگرید به Zadok 1984: 7, no. 17) باشد^۸، با معنای فرضی «(الهه) آسو پیروز/غالب» است.^۹ اگر شَوور-آسو با نَپیر - آسو مقایسه شود، که در آن نَپیر ممکن است خود نامی الهی باشد (شاید خدای ماه^{۱۰}) در این صورت شَوور نیز می‌تواند نامی الهی باشد.

هیش(-)منی-ر

این عبارت هنوز به طور کامل روشن نیست. احتمالاً به خاطر وجود پسوند -ن^{۱۱} که به صورت نقش‌نمای اضافه آمده است، به کلمه سَین (به معنای «معبد») مرتبط است. نشانه $\left(\begin{smallmatrix} \square \\ \square \end{smallmatrix}\right)$ ری در این عبارت ممکن است به دلیل افزودن صدای ی برای اتصال پسوند -ر (که به اسامی زنده اشاره دارد) به پسوند -ن آمده باشد^{۱۲}. به طور کلی، این عبارت می‌تواند به نام (شاید نام ایزد یا نام جغرافیایی) یا صفتی برای معبد اشاره داشته باشد. هیش (-)منی-ر احتمالاً یک صفت یا نام برای سَین (معبد) است. این عبارت می‌تواند نام خاص معبد، یک صفت، نام یک خدا/الهه (مانند نام الهی هیش - میتی - ک، Hiš-miti-k) یا نام یک مکان باشد. به طور کلی، می‌توان آن را به معنای «معبد هیش(-)منی-ر» در نظر گرفت.

مهم نیست چه ترجمه‌ای برای سَین هیش(-)منی-ر(ی) - ن پذیرفته شود، این عبارت به مکانی اشاره دارد که قرار بوده جام سیمین حکاکی‌شده در آن جا قرار داده شود^{۱۳}.

هُومَشْت

نام هُومَشْت (هومَشْت یا هَمَشْت) که برای نخستین بار است که به آن برمی‌خوریم، احتمالاً دریافت‌کننده ظرف وقف شده است (و شَوور-آسو وقف‌کننده ظرف). این نام ممکن است با الهه‌ای به نام *hu-u[m]-r-šū-at* مرتبط باشد که در «پیمان‌نامه نارام سین» ذکر شده است (König 1965 no. 2 I § 1). اگر این فرضیه درست باشد، هُومَشْت باید به عنوان یک الهه در متن LEI17/Q در نظر گرفته شود.

در عنوان جمله اول، زَن مَریشی-ر «بانوی مَریشی»، کلمه زَن معمولاً به الهه‌ها اطلاق می‌شود و آن‌ها را با یک مکان

7. Hinz and Koch 1987, 1178: s.v. šu-ma.

یک فعل به صورت *šu-ma-ah* «من نصب کردم»، در König 1965, no. 54 §§ [1], 4, 32, 37, 40, 47, 55 and 54b §§ 32, 37, 40, 47, 55 and 54b §§ [1], 4 ثبت شده است.

۸. بنگرید به: Zadok 1984, 7, no. 17.

۹. Hinz and Koch 1987: 84. «شبهه به، به نظر آمدن».

10. Hinz and Koch 1987: 987.

۱۱. Bavant 2014: 294-297; Khacikjan 1998: 15; Grillot-Susini 1973. که ترجمه می‌کند: *si-ia-an^d pi-ni-kir₁₀ na-pir₂-u₂-ri-na* (König 1965 no 80 V)

مانند König یا Malbran-Labat, 1995: 40، را به معنای «معبد پینکیر، الهه من» و *na*-را به عنوان یک نشانگر دوم در نظر می‌گیرند. نقش‌نمای اضافه *na* معمولاً به عنوان یک پدیده زبان‌شناختی متأخرتر (دوره هخامنشی) در زبان هَتَمْتیایی در نظر گرفته می‌شود. در مورد متن آغاز-ایرانی جدید LEI17/Q، انتظار می‌رفت که *siyan hiš(-)mani-r-(i)me*، با پسوند غیرزنده *me*- که به *siyan* مرتبط است، استفاده شود. استفاده از پسوند غیرزنده *na* احتمالاً تفاوت‌های ظریف در بیان نقش‌نمای اضافه را نشان می‌دهد.

۱۲. بنگرید به: König 1965

su-un-ki-ir ha-ta-am-ti-ir an-ka ru-ri-na: no. 9 III b XI

tu-ur-ri-na: no. 20 II

a-ak tu₄-ut-ri-na: no. 28A § 12

in-ki₂-ri-na: no. 54 § 14

ša₂-ak in-ta₂-ta₂-ri-na: no. 75 § 14

ru-tu₂ šu-tu₂ ha-ni-ik-u₂-ri-na: no. 76 § 3, 7

[*su*]-*ul-ra-ir-na na-[pir₁]-u₂-ri-na*: no. 76 F. II

a-ak si-ia-an dpi-ni-kir₁₀ na-pir₂-u₂-ri-na: no. 80 V

a-ak hu-ut ur-tu₄ uk-ku su-kir₁₀ hal-ka-taš at-tu₃-ri-na: no. 86 V

توالی *me-en šu-ri-na* نیز ذکر شده است (Lambert 1974, no. 2: 1, 3, 5, 8, p. 10-11).

۱۳. بنگرید به: Bavant 2021: 14.

2025 *Linear Elamite inscriptions and related Cuneiform texts*, OrientLab Series Maior, Ante Quem editor, Dipartimento di Storia Culture e Civiltà dell'Università di Bologna.

Grillot-Susini, F.

1973 "La postposition genitive -na en elamite", *Cahiers de la Délégation Archéologique Française en Iran* 3, p. 115-169.

Hallock, R. T.

1969 *Persepolis Fortification Tablets*, Oriental Institute Publications 92, The University of Chicago Press, Chicago.

Hinz, W.

1969 "Eine neugefundene altelamische Silbervase", *Altiranische Funde und Forschungen*, Walter de Gruyter, Berlin, p. 11-44.

Hinz W. and H. M. Koch

1987 "Elamisches Wörterbuch", *Archäologische Mitteilungen aus Iran* 17.

Khačikjan, M.

1998 *The Elamite language*, Documenta Asiana IV, Consiglio nazionale delle ricerche, Istituto per gli studi micenei ed egeo-anatolici, Roma.

König, F. W.

1965 *Die elamischen Königsinschriften*, Archiv für Orientforschung, herausgegeben von Ernst Weidner, Beiheft 16, Graz.

Lambert, M.

1974 "Deux textes élamites du IIIème millénaire", *Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 68, p. 3-14.

1979 "Le prince de Suse Ilish-Mani et l'Elam de Naramsin à Ibisin", *Journal asiatique* 267, p. 11-40.

Malbran-Labat, F.

1995 *Les inscriptions royales de Suse: briques de l'époque paléo-élamite à l'Empire néo-élamite*, Musée du Louvre, département des antiquités orientales, Réunion des musées nationaux, Paris.

Owen, D. I.

2013 "Treasures of the sacristy", *Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 107, p. 29-42.

Porada, E.

1990 "More seals of the time of the sukkalmah", *Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 84, p. 171-181.

Potts, D. T.

2008 "Puzur-Inšušinak and the Oxus Civilization (BMAC): reflections on Šimaški and the geo-political landscape of Iran and central Asia in the Ur III period", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* 98/2, p. 165-194.

Sarianidi, V.

2005 *Gonur Depe, city of kings and gods*, Miras, Ashkhabat.

Steve, M. J.

1989 "Des sceaux-cylindres de Šimaški", *Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 83, p. 13-26.

Sumner, W. M.

1974 "Excavations at Tall-i Malyan, 1971-72", *Iran* 12, p. 155-175.

Vallat, F.

1993 *Les noms géographiques des sources suso-élamites*, *Répertoire géographique des textes cunéiformes XI*, Dr. L. Reichert, Wiesbaden.

Van Bladel, K.T.

2021 "The language of the Xūz and the fate of Elamite", *Journal of the Royal Asiatic Society* 31/3, p. 447-462.

Zadok, R.

1984 *The Elamite onomasticon*, Supplemento no. 40 agli Annali - vol. 44, fasc. 3, Istituto universitario orientale, Naples.

مرتبط می‌کند^{۱۴}. شاید عنوان بانوی مَرِیْشِی برای الهه هُومَشْت استفاده شده است و معبد هیش(-مَنی-ر معبد این الهه باشد.

تَن

این واژه به معنای «معتدلانه» است و می‌تواند به «خیرخواهانه، فروتنانه» ترجمه شود^{۱۵}.

سپاسگزاری

از مریم دوسه که زحمت ترجمه این مقاله را بر عهده داشتند سپاسگزارم. همچنین از دکتر جبرئیل نوکنده رییس کل موزه ملی ایران که امکان مطالعه این اثر را برای من فراهم کردند سپاسگزاری می‌کنم. از آقایان جلیل بختیاری، سجاد علی‌بیگی و میثم شهسواری که در ویرایش متن فارسی مرا یاری کردند بسیار سپاسگزارم.

منابع

دوسه، فرانسوا
۱۴۰۱ "رمزگشایی خط آغاز ایرانی جدید، سیستم نگارش ایرانی «عیلامی خطی» متعلق به هزاره سوم پیش‌ازمیلاد"، *داستان باستان ضمیمه رایگان روزنامه شرق* ۱۴ اسفند، صص. ۴-۱۱.

سرفراز، علی اکبر
۱۳۹۶ "جام عیلامی، نویافته‌ای از تخت جمشید"، *باستان‌پژوهی*، شماره ۲۰، ص. ۴۲.

References

Amiet, P.
1986 *L'âge des échanges inter-iraniens, 3500-1700 avant J-C*, Notes et documents des Musées de France 11, Editions de la réunion des musées nationaux, Paris.

2007 "Elam et trans-Elam". *À propos de sceaux-cylindres de la collection du Dr. Serge Rabenou: Revue d'assyriologie et d'archéologie orientale* 101, p. 51-58.

Bavant, M.

2014 *Résultatif, diathèse et possession en basque, vieux perse et élamite* (PhD dissertation, University of Amsterdam), Amsterdam Center for Language and Communication (ACLCL), LOT-Utrecht.

Benveniste, E.

1958 "Notes sur les tablettes élamites de Persépolis", *Journal asiatique* 246, p. 49-65.

Calmeyer, P.

1989 "Beobachtungen an der Silbervase aus Persepolis", *Iranica Antiqua* 24, p. 79-85.

Desset, F.

2018 "Nine Linear Elamite texts inscribed on silver 'gunagi' vessels (X, Y, Z, F', H', I', J', K' and L'): new data on Linear Elamite writing and the history of the Sukkalmah dynasty", *Iran* 56/2, p. 105-143.

2022 "Considerations on the history of writing on the Iranian Plateau (ca. 3500-1850 BC)", *Journal of archaeology and archaeometry* 1/1, p. 1-11.

Desset F.; K. Tabibzadeh, M. Kervran, G.-P. Basello and G. Marchesi

2022 "The decipherment of Linear Elamite writing", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* 112/1, p. 11-60.

14. König 1965: 212.

مانند کیریرش (کیریرش یا کیریرش) بانوی لَین، پرتی (= مَشِی) بانوی تَریش، بلتی بانوی تنتر، نیرزین تیرسین بانوی لیبین؛ منزلت و اوپورکویک نیز به عنوان زن توصیف شده‌اند.

15. Hinz and Koch 1987: 317-318.

بگیرید به: König 1965

te-na su-ku-uk-na: no. 75 § 32

te-na u₂-tu-ru-uk-ka₄: no. 76 § 31

te-en-na: no. 74 § 64

te-nu-um: no. 73 § IX

te-ma: no. 54 § 22